

تحلیل محتوای درس‌نامه فارسی عمومی براساس الگوی مفهومی آموزش

فاطمه کاظمی^۱، شیما ابراهیمی^۲

(دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹، نوع مقاله: پژوهشی)

چکیده

نظر به اهمیت روش‌های تدریس کاربردی و فقدان روشی نظام‌مند در تدوین کتاب‌های درسی فارسی عمومی، هدف پژوهش حاضر بررسی یکی از مطرح‌ترین درس‌نامه‌های فارسی عمومی، تألیف محمود فتوحی و حبیب‌الله عباسی (۱۳۹۸) براساس الگوی مفهومی آموزش است. در این پژوهش که به شیوه تلفیقی انجام شده است، ابتدا میزان استفاده از گویه‌های بازبینی تحلیل محتوای کتاب‌های درسی در محتوای درس‌نامه فارسی عمومی مورد بررسی و شمارش قرار گرفت. سپس جهت بررسی سطح معناداری میان مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش در درس‌نامه فارسی عمومی، داده‌های حاصل از تحلیل محتوا، با استفاده از آزمون خی دو تحلیل شد. نتایج نشان داد تفاوت معناداری میان استفاده از مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش در محتوا و تمرین‌های درس‌نامه مذکور وجود دارد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود این درس‌نامه براساس الگوی مفهومی آموزش مورد بازبینی قرار گیرد تا مطالب آن بهتر در حافظه بلندمدت دانشجویان نهادینه شود. واژه‌های کلیدی: الگوی مفهومی آموزش، تحلیل محتوا، درس‌نامه فارسی عمومی

۱. کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

۲. استادیار آموزش زبان فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول،

(shimaabrahimi@um.ac.ir)

A Content Analysis of *the General Persian Literature Textbook* Based on the Conceptual Model of Education

Fatereh Kazemi¹, Shima Ebrahimi²

Received: 22/02/2022, Accepted: 17/09/2022

Abstract

Due to the importance of practical teaching methods and the lack of a systematic approach to writing textbooks for general Persian literature courses, the current study aims to investigate one of the most significant textbooks, i.e., *General Persian Literature* written cooperatively by Mahmud Fotuhi and Habibullah Abasi (2019), based on Conceptual Model of Education. A mixed research method is adopted, and the items in the content analysis checklist in the *General Persian Literature* textbook were examined and counted. Afterward, to examine the significance level between components of the Conceptual Model of Education in *the General Persian Literature* textbook, the collected data were analyzed using the Chi-squared test. It was revealed that there is a significant difference between Conceptual Model of Education components in the content of the mentioned textbook. Therefore, it is suggested that the Conceptual Model of Education should be paid more attention to so that the textbook contents are stored in students' long-term memory.

Keywords: Conceptual Model of Education, content analysis, *General Persian Literature* textbook

¹. M.A. in Persian Language Teaching, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (faterabanookazemi@gmail.com)
². Assistant Professor of Persian Language Teaching, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (shimaebrahimi@um.ac.ir) (Corresponding Author)

مقدمه

کتاب‌های درسی یکی از مهم‌ترین رسانه‌های تحقق یادگیری مؤثر و پایدارند که نقش مهمی در دستیابی به اهداف نظام آموزشی ایفا می‌کنند (آل‌احمدی و شرفی‌ابقاء، ۱۳۹۵). یکی از اهداف کتاب‌های درسی به‌ویژه کتاب‌های دروس عمومی در مقاطع دانشگاهی، معرفی ارزش‌های فرهنگی و مؤلفه‌های هویتی است. درس فارسی عمومی دانشگاهی یکی از این دروس است که با هدف آگاه ساختن فراگیران از فرهنگ و ادبیات کشور و نیز آشنا کردن ایشان با رموز و رازهای نوشتن (طالبیان، ۱۳۸۵) در مقاطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی در دانشگاه‌های ایران ارائه می‌شود. بنابراین اهمیت محتوای این کتاب‌ها و میزان یادگیری مطالب آنان توسط دانشجویان بر کسی پوشیده نیست؛ با این حال بررسی کیفی کتاب‌های فارسی عمومی و نظرسنجی از مدرسان فارسی عمومی حاکی از این است که اکثر کتاب‌ها در اثر عواملی مانند شتاب‌زدگی مؤلفان، کیفیت خود را از دست داده‌اند (اصفهان‌بلندبالایی، ۱۳۹۷) و رضایت‌چندانی از محتوای آن‌ها وجود ندارد. آمینون و شریفی‌پور (۱۳۹۵) بر این باورند که برای کیفیت‌بخشی به کتاب‌های درسی و فاصله گرفتن از مسائلی همچون حافظه‌پروری، محتوای غیرفعال و عدم توجه به کاربردی بودن مطالب کتاب لازم است به تحلیل محتوای آنان روی آوریم، زیرا تحلیل محتوای کتب درسی و شناسایی نقاط قوت و ضعف این کتاب‌ها در جهت اصلاح یا تغییرات احتمالی آن‌ها بسیار حائز اهمیت است و تلاشی ارزنده از نظر یاری رساندن به مدرسان و بهبود فرایند یادگیری در دانشجویان محسوب می‌شود.

واضح است که جهت بررسی و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، استفاده از الگوهای نظام‌مند و منسجم یاری‌رسان است. الگوی مفهومی آموزش^۱ که دارای کلان‌شایستگی‌های شناختی^۲، هیجانی اجتماعی^۳، حسی ادراکی^۴ و ارزش‌ها^۵ است، یکی از الگوهای هدفمند است که در سال ۱۳۹۸ با هدف همسو ساختن فعالیت‌های آموزشی با مبانی نظام تعلیم و تربیت ارائه شده و بر این باور است که توجه به شایستگی‌ها و دانش، توانایی و قابلیت‌های فراگیران، موجب ارتقای نظام آموزشی کشور می‌شود (پیش‌قدم و همکاران، ۱۳۹۸). هریک از کلان‌شایستگی‌های الگوی مذکور دارای مؤلفه‌هایی هستند که در امر آموزش مؤثر و حائز اهمیت‌اند و می‌توان از این مؤلفه‌ها در تدوین محتوای کتاب‌های درسی بهره گرفت. از آنجا که تفکر در امر تعلیم و تربیت اهمیت زیادی دارد، هدف کلان‌شایستگی

1. Conceptual Model of Education (CME)
3. cognitive
5. sensory

2. macro-competencies
4. emotional
6. value

شناختی تقویت انواع تفکرهای انتقادی^۱، خلاق^۲، سیستمی^۳ و آینده‌نگر^۴ در دانشجویان است تا ایشان بدین طریق بتوانند مطالب درسی را تجزیه، تحلیل و ارزشیابی کنند. کلان‌شایستگی هیجانی اجتماعی به مدیریت میان‌فردی و درون‌فردی و نقش اعتماد به نفس در یادگیری اشاره دارد و کلان‌شایستگی حسی ادراکی مدیریت حواس و محیط و اهمیت تقویت مهارت‌های عملی در فراگیران را مطرح می‌کند. ارزش‌ها نیز که چارچوبی برای تعیین رفتار مناسب فرد محسوب می‌شوند، نقش مهمی در زندگی ایفا می‌کنند و پرورش آن‌ها در نظام آموزشی، برای جامعه بسیار حائز اهمیت است (پیش‌قدم، ۱۳۹۸).

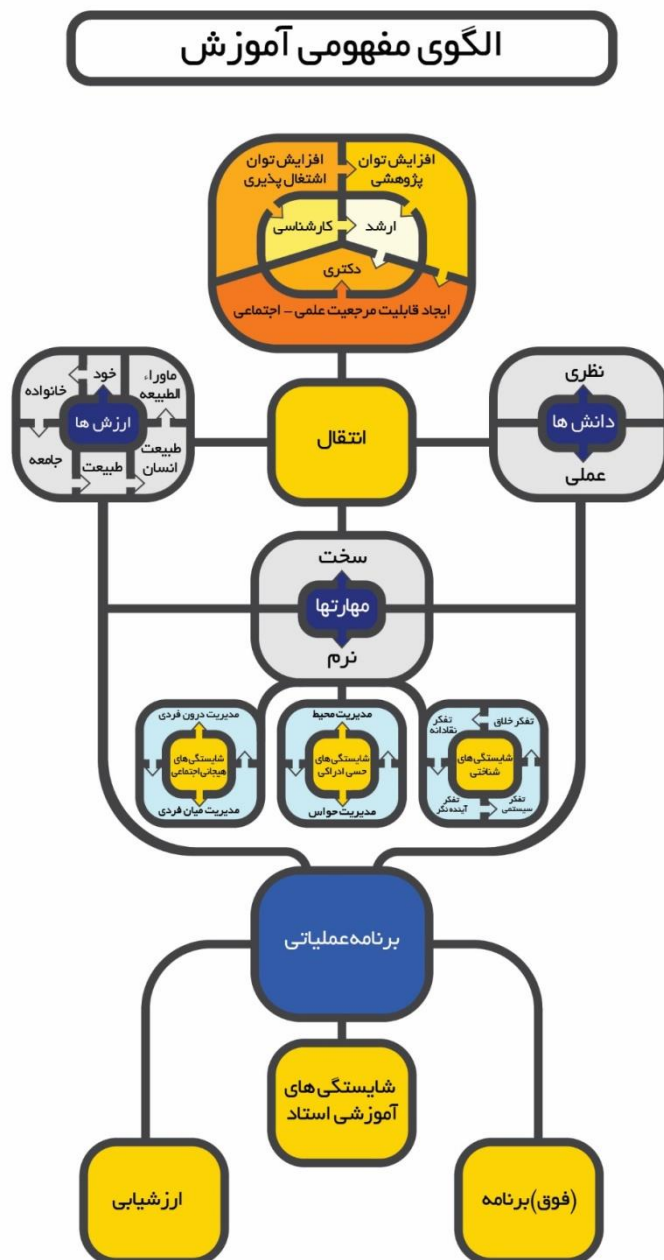
نظر به این امر که توجه به درگیری انواع تفکر، حواس و نوع هیجانات افراد در یادگیری محتوای درسی حائز اهمیت است (پیش‌قدم، ۱۳۹۸)، پژوهش حاضر می‌کوشد تا از منظری دیگر به تحلیل محتوا و بررسی درس‌نامه فارسی عمومی فتوحی و عباسی (۱۳۹۸) پردازد، زیرا طبق بررسی‌های نگارندگان، این درس‌نامه مورد استقبال مدرسان درس فارسی عمومی دانشگاه‌های مختلف کشور قرار گرفته است و از منظر ایشان دارای محتوایی جامع و دقیق و نیز تمرین‌هایی روشمند نسبت به دیگر کتب فارسی عمومی است. بنابراین پژوهش حاضر در تلاش است به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

۱. در درس‌نامه فارسی عمومی محمود فتوحی و حبیب‌الله عباسی (۱۳۹۸) به چه میزان به مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش توجه شده است؟
۲. آیا تفاوت معناداری میان مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش در درس‌نامه فارسی عمومی محمود فتوحی و حبیب‌الله (۱۳۹۸) عباسی وجود دارد؟
۳. چگونه می‌توان از الگوی مفهومی آموزش در تدوین کتاب‌های فارسی عمومی بهره جست؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

معرفی الگوی مفهومی آموزش: به مجموعه‌ای از دانش، توانایی و قابلیت‌هایی که به افراد کمک می‌کنند در انجام وظیفه خود به موفقیت برسند شایستگی گفته می‌شود. بر مبنای الگوی مفهومی آموزش توجه به شایستگی‌ها به ارتقای نظام آموزشی کشور منجر می‌شود و بستر مناسبی را برای شکوفایی استعدادها و فراگیران فراهم می‌آورد. الگوی مذکور در سال ۱۳۹۸ و با هدف جهت‌دار کردن فعالیت‌های آموزشی از سوی معاونت آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد ارائه شد. شکل ۱ به تبیین اهداف آموزش در الگوی مفهومی آموزش می‌پردازد:

- | | |
|----------------------|----------------------|
| 1. critical thinking | 2. creative thinking |
| 3. systems thinking | 4. futures thinking |



شکل ۱ الگوی مفهومی آموزش، برگرفته از پیش‌قدم و همکاران (۱۳۹۸)

برای دستیابی به اهداف مذکور در الگوی مفهومی آموزش، کلان‌شایستگی‌هایی در نظر گرفته شده است که لازم است به فراخور هر مقطع تحصیلی تقویت شوند (پیش‌قدم و همکاران، ۱۳۹۸). در ذیل به بررسی هریک از این کلان‌شایستگی‌ها پرداخته می‌شود.

کلان‌شایستگی شناختی: از آنجا که تفکر در امر تعلیم و تربیت اهمیت زیادی دارد، هدف کلان‌شایستگی شناختی تقویت تفکرهای انتقادی، خلاق، سیستمی و آینده‌نگر در دانشجویان است (پیش‌قدم، ۱۳۹۸). به فرایندی که در آن به بررسی دلایل، تصمیم‌گیری، استنتاج و حل مسئله پرداخته شود، تفکر انتقادی گویند (استرنبرگ^۱، ۱۹۷۸). تورنس^۲ و گاف^۳ (۱۹۸۹) تفکر خلاق را مهارت ابداع چیزهای ارزشمند و فرایند حس کردن مشکلات، شکاف در اطلاعات، حدس زدن و فرضیه‌سازی می‌دانند. به عقیده‌افراسته (۱۳۹۹) تفکر سیستمی تفکری کل‌گرایانه است که در آن تنها به اجزا و جزئیات توجه نمی‌شود، بلکه چگونگی تعامل بین اجزا نیز حائز اهمیت است. تفکر آینده‌نگر نیز توانایی تصویرسازی ذهنی یا خلاقانه از وقایع و تصمیمات برای آینده است که یکی از توانایی‌های شناختی بشر محسوب می‌شود (صمدی و قمرانی، ۱۳۹۴). تقویت انواع تفکر سبب می‌شود فراگیران بتوانند مطالب درسی را به‌خوبی تحلیل و ارزیابی کنند و پرسشگر، منتقد و انتقادپذیر شوند و با حساسیت بر زمان توانایی مدیریت خود را ارتقا دهند و به دنبال آن به خلق ایده‌های جدید بپردازند و از مطلق‌نگری بپرهیزند. گفتنی است توجه به هریک از مؤلفه‌های کلان‌شایستگی شناختی در تدوین و یا تدریس کتب درسی سبب ایجاد تحولی در امر آموزش خواهد شد (پیش‌قدم، ۱۳۹۸). در زمینه مؤلفه‌های کلان‌شایستگی شناختی یعنی انواع تفکرهای انتقادی، خلاق، سیستمی و آینده‌نگر مطالعات بسیاری صورت گرفته است. برای مثال ماهرالنقش (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان بررسی میزان توجه به تفکر انتقادی در کتاب‌های درسی دروس عمومی دانشگاه‌ها به بررسی میزان مهارت تفکر انتقادی در کتاب تفسیر موضوعی در حد متوسط، در کتاب اندیشه اسلامی یک در حد قابل قبول و در کتاب انقلاب اسلامی در حد بسیار ضعیف است. صردی زید (۱۳۹۸) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان بررسی مؤلفه‌های تفکر انتقادی در محتوای کتاب‌های ادبیات فارسی دوره اول متوسطه نظام جدید به بررسی جایگاه این

1. Sternberg
2. Torrance
3. Goff

مؤلفه‌ها به روش تحلیل محتوا پرداخته و به این نتیجه رسیده است که در هیچ‌یک از سه کتاب ادبیات فارسی دوره متوسطه به مؤلفه‌های تفکر انتقادی به‌نحو مطلوبی توجه نشده است.

پژوهشگران بسیاری نیز در مطالعات خود به مؤلفه تفکر خلاق توجه کرده‌اند. برای مثال مزیدی و گلزاری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به نام «بررسی میزان برخورداری کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی از مؤلفه‌های خلاقیت» به بررسی میزان برخورداری کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی از خلاقیت براساس دیدگاه‌های گیلفورد^۱ و بیکاردز^۲ پرداخته‌اند. آنان پس از تعیین یک بند در هر درس به‌عنوان واحد تحلیل محتوای متن، پرسش‌ها و تصاویر پنج کتاب فارسی ابتدایی را مورد تحلیل قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که میزان توجه به تفکر خلاق در کتاب‌های اول و دوم ابتدایی در حد پایین‌تر از متوسط است، اما همه کتب از لحاظ توجه به مؤلفه‌های خلاقیت به‌خصوص در بخش متن درس و تصاویر نیاز به بازنگری و اصلاحات اساسی نیاز دارند.

در حوزه تفکر سیستمی نیز مطالعاتی صورت گرفته است. برای مثال می‌توان از رساله دکتری شفیع (۱۳۹۶) با عنوان *رابطه علی ادراک از محیط یادگیری سازنده گرا و گرایش به یادگیری مادام‌العمر با میانجی‌گری تفکر سیستمی فردی، انگیزش درونی، رویکرد یادگیری عمیق و قابلیت یادگیری فردی در بین دانشجویان دانشگاه شهید چمران* نام برد. در این پژوهش وی از پرسش‌نامه‌های گرایش به یادگیری مادام‌العمر، ادراک از محیط یادگیری سازنده گرا، تفکر سیستمی، انگیزش درونی، رویکرد یادگیری عمیق و قابلیت یادگیری فردی استفاده کرده است. جامعه آماری این پژوهش تعداد ۴۵۰ نفر از دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز بوده است. پژوهشگر پس از تحلیل داده‌های به‌دست آمده به این نتیجه رسیده است که محیط‌های آموزشی و یادگیری و ادراک دانشجویان از ویژگی‌های این محیط‌ها عاملی مهم در راستای گرایش به یادگیری مادام‌العمر است؛ بدین گونه که محیط‌های یادگیری به‌واسطه تقویت توانمندی‌های دانشجویان در ابعاد تفکر سیستمی فردی، قابلیت یادگیری فردی، انگیزش درونی و به کارگیری رویکرد یادگیری عمیق می‌توانند فرصت‌های مطالعه و یادگیری مادام‌العمر را برای آن‌ها فراهم سازند.

1. Guilford
2. Bickards

برخی پژوهشگران مانند کشاورزی و همکاران (۱۳۹۶) نیز به بررسی تفکر آینده‌نگر در امر آموزش توجه داشته‌اند. آنان در مقاله‌ای با عنوان «محتوای برنامه‌دستی مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی در آموزش عالی ایران: پژوهش کیفی» بیان داشته‌اند که با بررسی و تحلیل محتوای کتب درسی می‌توان به ارتقای تفکر آینده‌نگر و آینده‌پژوهی فراگیران کمک کرد. پژوهشگران معتقدند امروزه کتاب‌های درسی به مهارت‌های موردنیاز که برای کار و زندگی فراگیران ضروری است مجهز نیستند؛ بنابراین در این شرایط بهتر است مؤلفان کتب درسی به یکی از نیازهای اساسی فراگیران یعنی آموزش آینده‌پژوهی و آینده‌نگری در کتاب‌ها توجه ویژه‌ای مبذول دارند. در این راستا مرادی برزل‌آبادی و رستم‌آبادی (۱۳۹۲) در مقاله «ضرورت آینده‌پژوهی در تغییر برنامه‌دستی آموزش و پرورش» با توضیح این مسئله که آموزش، از طریق برنامه و محتوای درسی صورت می‌گیرد، تأکید می‌کنند که لازم است این محتواها هر چند وقت یک‌بار موردبررسی و تحلیل قرار گیرند تا بتوانند پاسخ‌گوی نیازهای روز و آینده‌فراگیران باشند.

کلان‌شایستگی هیجانی اجتماعی: این کلان‌شایستگی بر کنترل و تنظیم هیجانات مختلف تأکید دارد تا بدین طریق سبب ارتقای مدیریت درون‌فردی و میان‌فردی در دانشجویان شود، زیرا شناخت و کنترل هیجانات منجر به افزایش اعتماد به نفس و بهبود روابط فراگیران با هم‌کلاسی‌ها و حتی افراد اجتماع می‌شود (پیش‌قدم و همکاران، ۱۳۹۸). به عقیده بار آن^۱ (۲۰۰۰) مهارت درون‌فردی مهارتی است که به واسطه آن فرد می‌تواند هیجانات خود را بشناسد و آن‌ها را کنترل کند و مهارت میان‌فردی مهارتی است که به توانایی افراد در ایجاد و حفظ ارتباط با افراد جامعه توجه دارد. چنانچه مدرسان و مؤلفان کتب درسی به این کلان‌شایستگی توجه کنند، خواهند توانست سبب تقویت عواملی مانند روحیه انجام کارهای گروهی، مسئولیت‌پذیری، بیان احساسات و تفکرات و اعتماد به نفس در مخاطبان شوند (پیش‌قدم، ۱۳۹۸). در زمینه کلان‌شایستگی هیجانی اجتماعی پژوهش‌های متعددی انجام شده است. برای مثال پورعبدل و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «اثر بخشی آموزش تنظیم هیجان بر کاهش فرسودگی و تعلق‌ورزی تحلیلی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری خاص» چهل نفر از دانش‌آموزان پسر شهر اردبیل را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که آموزش تنظیم هیجان بر کاهش فرسودگی و تعلق‌ورزی تحصیلی اثرگذار است. بر این اساس می‌توان گفت هیجانات نقش

بسیار مهمی در پیشرفت و پسرفت تحصیلی دارند و با ازمیان برداشتن هیجانات منفی و جایگزینی هیجانات مثبت می‌توان فرسودگی و تعلل تحصیلی دانش‌آموزان را کاهش داد. کلان‌شایستگی حسی‌ادراکی: در این کلان‌شایستگی توجه به لزوم مهارت‌ورزی و حواس‌ورزی بسیار حائز اهمیت است. دانش‌جویان می‌بایست در کلاس درس حواس‌گوناگون خود را بشناسند و شیوه‌های یادگیری خود را بیابند و بدین ترتیب بر کیفیت یادگیری خود بیفزایند. توجه به محیط آموزشی نیز در کلان‌شایستگی مذکور دارای اهمیت بسیاری است و دانش‌جویان با شناخت قابلیت‌های محیط و نیز استفاده از ظرفیت‌های گوناگون محیط می‌توانند بر کیفیت یادگیری خود تأثیر بگذارند (پیش‌قدم و همکاران، ۱۳۹۸). توجه به بهره‌مندی مطلوب از حواس مختلف و محیط یادگیری در طراحی و نگارش کتاب‌های درسی و تدریس می‌تواند فعالیت‌های آموزشی را هدفمند سازد و فرایند یادگیری را تسهیل کند و بهبود بخشد (پیش‌قدم، ۱۳۹۸). در رابطه با کلان‌شایستگی حسی‌ادراکی نیز مطالعاتی صورت گرفته است. برای مثال می‌توان به مقاله «تأثیر شنیدن موسیقی (ریتمیک و ملودی) بر توجه و تمرکز دیداری، شنیداری و مهارت‌های اجتماعی کودکان پیش‌دستانی» نگارش ذبیحی و همکاران (۱۳۹۴) اشاره کرد. این پژوهش به روش آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون انجام شده است. به این ترتیب که پژوهشگران فراگیران را در دو گروه سی نفره قرار دادند. گروه آزمایش ده جلسه ۴۵ دقیقه‌ای در معرض موسیقی قرار گرفتند و سپس هر دو گروه با استفاده از پس‌آزمون با یکدیگر مقایسه شدند. نتایج نشان داد شنیدن موسیقی بر تمرکز دیداری و شنیداری فراگیران مؤثر است. از سوی دیگر نقش دائمی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *رابطه میان محیط کلاس و خودکارآمدی تحصیلی زبان‌آموزان ایرانی* به شناسایی عوامل مؤثر بر خودکارآمدی بالا و پایین در محیط کلاس پرداخته است. بدین منظور تعداد دویست نفر از زبان‌آموزان ایرانی به پرسش‌نامه‌های «در این کلاس چه اتفاقی می‌افتد؟» و «ابزار خودکارآمدی برای یادگیری» پاسخ دادند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های به‌دست آمده نشان داد رابطه معناداری بین محیط کلاس زبان‌آموزان و درک آنان از خودکارآمدی وجود دارد.

ارزش‌ها و فرهنگ: بورگاتا^۱ و مونتگومری^۲ (۲۰۰۰) ارزش‌ها را باورهای ارزیابانه‌ای

1. Borgata

2. Montgomery

می‌دانند که عناصر شناختی مرتبط با جهت‌گیری مردم را سامان می‌بخشند. فرهنگ یکی از مهم‌ترین بنیان‌های جامعه است که بر سر مفهوم آن اختلاف نظر بسیاری وجود دارد. به عقیده تیلور^۱ فرهنگ کلیتی است شامل دانش، هنر، باور، رسوم، قانون و همه توانایی‌هایی که انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب می‌کند. توجه به ارزش‌ها و فرهنگ در کتاب‌های درسی و تدریس می‌تواند سبب به وجود آمدن تغییراتی در امر آموزش و تقویت توانایی فرد در حل مشکلات زندگی شود (پیش‌قدم، ۱۳۹۸). درباره ارزش‌ها و فرهنگ نیز تحقیقاتی انجام شده است. پناهی‌توانا و معروفی (۱۳۹۵) در مقاله «جایگاه مؤلفه‌های هویت فرهنگی در کتاب‌های ادبیات فارسی (تحلیل محتوا)» کتاب‌های ادبیات دوره متوسطه را از منظر هویت فرهنگی مورد بررسی قرار دادند و نتایج نشان داد که میان مؤلفه‌های فرهنگی در کتب ادبیات اختلاف زیادی وجود دارد؛ به طوری که برخی مؤلفه‌ها همچون مفاخر ادبی بیشتر از برخی دیگر مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین صالحی‌عمران و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بر مبنای مؤلفه‌های میراث فرهنگی» مؤلفه‌های فرهنگی در کتب دوره ابتدایی را مورد توجه قرار دادند و پس از بررسی متوجه شدند که این کتب در زمینه میراث فرهنگی، بسیار ضعیف عمل کرده است و بازنگری در جهت انسجام بیشتر ارزش‌های فرهنگی در آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

باتوجه به آنچه در این بخش گفته شد، توجه به مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش موجب جهت‌دار شدن فعالیت‌های آموزشی می‌شود. بنابراین عطف به اهمیت انواع تفکر، هیجان، حواس و ارزش‌ها در آموزش، پیشنهاد تدوین کتب فارسی عمومی بر مبنای تمامی مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش در جهت کیفیت بخشیدن به این کتاب‌ها مفید به نظر می‌رسد و از آن‌جا که براساس بررسی‌های نگارندگان این مسئله تاکنون موضوع هیچ پژوهشی نبوده است، مقاله حاضر می‌کوشد ابتدا به تحلیل محتوای درس‌نامه فارسی عمومی محمود فتوحی و حبیب‌الله عباسی (۱۳۹۸) براساس الگوی مفهومی آموزش پردازد و پس از آن چگونگی تدوین این درس‌نامه براساس الگوی مذکور را شرح دهد.

روش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها از نوع

1. Tylor

تلفیقی (کمی - کیفی) است. در بخش کیفی، درس‌نامه فارسی عمومی فتوحی و عباسی (۱۳۹۸) براساس میزان بهره‌گیری از مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش به شیوه توصیفی مورد بررسی قرار گرفته و نیز به توضیح چگونگی بازننگری و تدوین این کتاب براساس بهره‌گیری حداکثری از مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش پرداخته شده است. در بخش کمی نیز جهت درک معناداری میان مؤلفه‌های مذکور از آزمون‌خی‌دو استفاده شده است.

درس‌نامه فارسی عمومی محمود فتوحی و حبیب‌الله عباسی (ویراست سوم) که محتوای مورد بررسی در این پژوهش است، در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده و شامل ۵ فصل و ۳۶۴ صفحه است. در فصل اول این درس‌نامه درباره چستی و اهمیت ادبیات و دانش‌های ادبی سخن رفته است. فصل دوم درباره شعر پارسی است. در این فصل نویسندگان پس از توضیح و تشریح سبک شعر، توضیحاتی برای انواع شعر پارسی در نظر گرفته و برای هر کدام، نمونه‌هایی از اشعار معروف دری آورده‌اند. در فصل سوم که درباره نثر پارسی است، به چستی، سیر تحول، گونه‌ها و گزیده‌های نثر توجه شده است. در فصل چهارم یعنی فصل ادبیات داستانی، اسطوره، افسانه، رمانس، حکایت، داستان کوتاه و رمان توضیح و تشریح شده و نمونه‌هایی برای هر یک از آن‌ها آورده شده است. فصل پنجم درس‌نامه درباره مهارت در زبان و نگارش است. در این فصل به موضوع چستی زبان، بندنویسی و انواع نوشتار پرداخته شده است. فصل اول، سوم و چهارم این درس‌نامه فاقد تمرین و پرسش هستند، اما در فصل دوم ۴۶ پرسش و در فصل پنجم ۲۷ تمرین طراحی شده است.

نگارندگان در این پژوهش جهت تحلیل محتوای درس‌نامه فارسی عمومی (۱۳۹۸) از ابزار بازبینی تحلیل محتوای کتاب‌های درسی که توسط قاسمی (۱۳۹۹) براساس مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش در چهار بخش شناختی، هیجانی، حسی و ارزشی تنظیم شده است، بهره بردند. این بازبینی در هر یک از بخش‌های شناختی و هیجانی دارای هفت گویه و در بخش‌های حسی و ارزشی دارای پنج گویه است. گفتنی است هر یک از ۲۴ گویه مذکور در تمامی بخش‌های متن موردنظر به شیوه توصیفی مورد بررسی قرار گرفته و نتایج این بررسی به صورت عدد و درصد نشان داده شده است. روایی و پایایی این بازبینی توسط وی مورد سنجش قرار گرفته است. آلفای کرونباخ ۹۳ درصد نشان می‌دهد که بازبینی مذکور از پایایی مطلوبی برخوردار است.

جدول ۱ بازبینی تحلیل محتوای کتب درسی

گوبه‌های مؤلفه شناختی
محتوای کتاب باعث می‌شود مخاطب جنبه‌های مختلف رویدادها را قبل از تصمیم‌گیری در نظر بگیرد.
مطالب کتاب قدرت پرسشگری مخاطب را در مورد مسائل مختلف زندگی تقویت می‌کند.
مطالب کتاب و تمرین‌های آن باعث می‌شود که مخاطب بفهمد یک راه و یک پاسخ درست برای تمامی پرسش‌ها وجود ندارد.
مطالب کتاب حافظه‌محور نیست.
محتوای کتاب باعث می‌شود نظرات و ایده‌های جدیدی درباره موضوع در کلاس مطرح شود.
تمام اطلاعات و تمرین‌های کتاب به خوبی با یکدیگر مرتبط هستند.
محتوای کتاب باعث می‌شود حس کنجکاوی و کاوشگری مخاطب درباره مسائل مختلف مورد نیاز برانگیخته شود.
گوبه‌های مؤلفه هیجانی اجتماعی
محتوای کتاب به مخاطب کمک می‌کند استعدادها و توانمندی‌های خود را بهتر بشناسد.
محتوای کتاب باعث می‌شود مخاطب احساس موفقیت کند و برای یادگیری انگیزه داشته باشد.
محتوای کتاب باعث می‌شود اعتماد به نفس مخاطب بالا برود و مصمم به یادگیری پردازد.
تمرین‌های کتاب به گونه‌ای طراحی شده است که به ویژگی‌های فردی مخاطبان توجه دارد.
در این کتاب تمرین‌هایی براساس تأکید بر کار گروهی طراحی شده است.
محتوای کتاب به گونه‌ای است که مخاطب را تشویق به انجام پروژه‌های گروهی در خارج از کلاس می‌کند.
تمرین‌های کتاب مستلزم تعامل بیشتر با سایر افراد جامعه است.
گوبه‌های مؤلفه حسی ادراکی
کتاب مدرس را به استفاده از ابزارها و منابع کمک آموزشی تشویق می‌کند.
مطالب این کتاب به درگیری حواس مخاطب (شنیداری، دیداری، لمسی و...) در حین تدریس کمک می‌کند.
با درگیر شدن حواس بیشتر، هیجانات مثبت در مخاطب تولید می‌شود و این هیجانات به یادگیری بهتر مخاطب کمک می‌کند.
در این کتاب از تصاویر به خوبی استفاده شده است.
در این کتاب از جدول‌ها و نمودارهای متعدد برای درک بهتر استفاده شده است.
گوبه‌های مؤلفه ارزشی
کتاب حاوی موضوعات فرهنگی است و در مورد ارزش‌های جامعه صحبت می‌کند.
کتاب با فرهنگ ایرانی اسلامی همراه است.
مطالب کتاب باعث مشخص شدن ارزش‌های جامعه و تجلی آن‌ها در رفتار مخاطب می‌شود.
در کتاب تمرین‌هایی وجود دارد که باعث می‌شود مخاطب با اهمیت حفظ ارزش‌های فرهنگی آشنا شود.
کتاب با در نظر گرفتن فرهنگ‌های متفاوت و مقایسه آن‌ها با فرهنگ ملی، تصویر روشن‌تری از نقاط قوت و ضعف فرهنگی ملی می‌دهد و این تصویر باعث به‌سازی فرهنگی می‌شود.

در این پژوهش به‌منظور سنجش میزان توجه به مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش در محتوا و تمرین‌های درس‌نامه فارسی عمومی فتوحی و عباسی (۱۳۹۸)، میزان استفاده از گویه‌های بازبینه تحلیل محتوای کتاب‌های درسی در هر یک از بخش‌های درس‌نامه مورد بررسی و شمارش قرار گرفت و همراه با مثال توضیح داده شد. همچنین براساس اعداد به‌دست آمده و با توجه به تعداد کل بندها و تمرین‌های هر بخش، درصد استفاده از گویه‌ها در درس‌نامه نیز محاسبه شد. سپس جهت بررسی سطح معناداری میان مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش در درس‌نامه، داده‌های حاصل از تحلیل محتوا، با استفاده از آزمون خی‌دو تحلیل شد. پس از آن چگونگی تدوین درس‌نامه فارسی عمومی فتوحی و عباسی (۱۳۹۸) براساس الگوی مفهومی آموزش توضیح داده شد و برای هر یک از کلان‌شایستگی‌های گوناگون مثالی از قسمت مهارت بندنویسی آورده شد. این قسمت شامل چستی، ساختمان و گونه‌های بندنوشت و نیز آموزش بندنویسی است و به پیشنهاد مدرسان درس فارسی عمومی انتخاب شده است. به گفته این استادان، دانشجویان معمولاً تمایلی به یادگیری این قسمت از درس‌نامه ندارند و تنها برای رفع تکلیف اقدام به مطالعه و یادگیری آن می‌کنند.

یافته‌ها

بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش در درس‌نامه فارسی عمومی محمود فتوحی و حبیب‌الله عباسی

نگارندگان برای یافتن پاسخ سؤال اول پژوهش به بررسی محتوای درس‌نامه فارسی عمومی فتوحی و عباسی (۱۳۹۸) به‌لحاظ میزان بهره‌گیری از مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش با استفاده از بازبینه تحلیل محتوای کتاب‌های درسی پرداختند.

جدول ۲ نمایان‌گر مؤلفه‌های کلان‌شایستگی شناختی است. گویه اول، دوم و چهارم به تفکر انتقادی، گویه سوم، پنجم و هفتم به تفکر خلاق و گویه ششم به تفکر سیستمی اشاره دارند (قاسمی، ۱۳۹۹). جهت به‌دست آوردن این اعداد درس‌نامه فارسی عمومی (۱۳۹۸) به دقت مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. جهت روشن شدن چگونگی انجام این کار، برای هر یک از گویه‌های فوق مثالی از درس‌نامه ذکر می‌کنیم: مرتبط با گویه نخست مؤلفان درس‌نامه توضیح می‌دهند که آثار ادبی از جنبه‌های متفاوتی مانند ساختمان، محتوا و غیره قابل بررسی هستند. این امر سبب می‌شود مخاطبان در رویارویی با هر اثر ادبی از جنبه‌های متفاوتی به آن بنگرند. در رابطه با تقویت قدرت پرسشگری

سؤالاتی مانند «چرا گاه شنیدن یک مضمون تکراری از زبان افراد ملال آور نیست؟» سبب ایجاد پرسش‌های دیگری همچون «آیا چنین مضامینی را از زبان هر کسی می‌توان شنید؟» در ذهن مخاطبان می‌شود. مرتبط با گویه سوم سؤالاتی در درس‌نامه طراحی شده است که می‌تواند به تعداد مخاطبان پاسخ صحیح داشته باشند؛ مانند «از منظر شما شاهیت این غزل کدام است؟». درس‌نامه مورد نظر تا حد زیادی حافظه‌محور است. به گونه‌ای که مؤلفان مخاطب را به حفظ کردن نکات ناب و شنیدنی اشعار تشویق کرده‌اند. به‌علاوه مؤلفان گاه به ایجاد ایده‌ای در ذهن مخاطب پرداخته، اما سبب طرح ایده‌های جدید در ذهن آن‌ها نشده‌اند. برای مثال جهت آراسته شدن کلام به ذخایر فرهنگی پیشنهاداتی مطرح کرده‌اند. در رابطه با گویه ششم می‌توان گفت محتوا و تمرین‌های کتاب بسیار به یکدیگر مرتبط هستند؛ برای مثال ذیل عنوان مهارت در زبان و نگارش به ارائه مضامینی همچون چستی زبان، انواع نوشتار، راهنمای نگارش مقاله و دستور خط فارسی فرهنگستان پرداخته شده است. مؤلفان در ارتباط با آخرین گویه، با طرح سؤالاتی چون «به راستی راز زیبایی و اثرگذاری ادبیات در چیست؟» تلاش کرده‌اند حس کنجکاوی مخاطب را برانگیزند.

جدول ۲ میزان توجه به مؤلفه‌های کلان‌شایستگی شناختی در کتاب

در تمرین‌های کتاب		در محتوای کتاب		مؤلفه‌های کلان‌شایستگی شناختی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۹/۵۸	۷	۲/۲۹	۲۱	میزان توجه به جنبه‌های مختلف رویدادها در محتوا و تمرین‌های کتاب
۸/۲۱	۶	۰/۲۱	۲	میزان توجه به تقویت قدرت پرسشگری مخاطب در محتوا و تمرین‌های کتاب
۴/۱۰	۳	۰/۷۶	۷	میزان توجه به راه‌ها و پاسخ‌های متفاوت یک سؤال در محتوا و تمرین‌های کتاب
۱۵/۰۶	۱۱	۰	۰	میزان حافظه‌محور نبودن محتوا و تمرین‌های کتاب
۱/۳۶	۱	۰	۰	میزان توجه به مطرح کردن نظرات و ایده‌های جدید در محتوا و تمرین‌های کتاب
۱۵/۰۶	۱۱	۳۹/۱۹	۳۵۹	میزان مرتبط بودن اطلاعات در محتوا و تمرین‌های کتاب
۵/۴۷	۴	۱/۳۱	۱۲	میزان توجه به برانگیخته شدن حس کنجکاوی در محتوا و تمرین‌های کتاب

جدول ۳ میزان توجه به مؤلفه‌های کلان‌شایستگی هیجانی اجتماعی در کتاب

مؤلفه‌های کلان‌شایستگی هیجانی اجتماعی		در محتوای کتاب		در تمرین‌های کتاب	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
۰	۰	۰	۱۰	۱۳/۶۹	۰
۲۶	۲/۸۳	۰	۰	۰	۰
۲۶	۲/۸۳	۶	۸/۲۱	۰	۰
-	-	۶	۸/۲۱	-	-
-	-	۶	۸/۲۱	-	-
۰	۰	۰	۰	۰	۰
-	-	-	۰	-	-

گویه‌های یک تا چهار در جدول ۳ به مدیریت درون‌فردی و سه گویه آخر به مدیریت میان‌فردی از کلان‌شایستگی هیجانی اجتماعی اشاره دارند. در ذیل برای هر یک از این گویه‌ها مثالی ذکر می‌کنیم: برخی از تمرین‌های درس‌نامه سبب می‌شوند تا مخاطبان استعداد‌های خود را بهتر بشناسند. تمرین‌هایی مانند: «بهترین بیت را با صدای بلند بخوانید و معنا را با زبان بدن انتقال دهید». این تمرین سبب می‌شود مخاطب بتواند میزان استعداد خود در توانایی‌های خواندن و انتقال کلام با استفاده از زبان بدن را بهتر بشناسد. در ارتباط با گویه دوم ارائه تشبیهاتی که مخاطبان در زندگی روزمره خود با آن‌ها سروکار دادند موجب یادگیری آسان‌تر و ایجاد حس موفقیت در آنان می‌شود. برای مثال تشبیه سبک به یک درخت یا نگاه یک نویسنده به دوربین فیلم‌برداری. جهت توجه به مؤلفه سوم، مثال‌هایی آشنا در درس‌نامه ذکر شده است تا مخاطبان بتوانند راحت‌تر متوجه موضوع شوند و احساس اعتماد به نفس در ایشان تقویت شود. برای مثال برای توضیح استدلال از مثال «چوب در آب فرو نمی‌رود، مداد تو چوبی است، پس مداد تو در آب فرو نمی‌رود» استفاده شده است. برای توجه به ویژگی‌های شخصیتی تمرین‌هایی مانند «به صورت فردی برای شعر مهتاب نیما معنایی جدید بسازید». در درس‌نامه طراحی شده است. مؤلفان در

ارتباط با مؤلفه‌های پنجم، ششم و هفتم تمرین‌هایی مانند «درباره شعر فوق با هم کلاسی‌های خود بحث کنید.» طراحی کرده و مخاطب را به انجام کار گروهی وادار کرده‌اند، اما در هیچ کجای این درس‌نامه مخاطبان به انجام پروژه‌های گروهی در خارج از کلاس تشویق نشده‌اند و تمرین‌های طراحی شده مستلزم تعامل بیشتر با سایر افراد اجتماع نیستند.

جدول ۴ میزان توجه به مؤلفه‌های کلان‌شایستگی حسی‌ادراکی کتاب

مؤلفه‌های کلان‌شایستگی حسی‌ادراکی		در محتوای کتاب		در تمرین‌های کتاب	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۰	۰	۰	۰	۰	۰
۶۱	۶/۶۵	۱۱	۱۵/۰۶	میزان توجه به استفاده از ابزارهای کمک‌آموزشی در محتوا و تمرین‌های کتاب	
۲۱	۲/۲۹	۱۱	۱۵/۰۶	میزان توجه به حواس مختلف در محتوا و تمرین‌های کتاب	
۶	۰/۶۵	-	-	میزان توجه به درگیری هیجانات مثبت در محتوا و تمرین‌های کتاب	
۴۸	۵/۲۴	-	-	میزان استفاده از تصاویر در محتوای کتاب	
		-	-	میزان توجه به کار گروهی در تمرین‌های کتاب	

جدول ۴ نمایان‌گر گویه‌های کلان‌شایستگی حسی‌ادراکی است. در ذیل برای هر کدام از این گویه‌ها مثالی ذکر می‌کنیم: در ارتباط با گویه نخست می‌توان گفت مؤلفان در هیچ کجای درس‌نامه، مدرسان را به استفاده از ابزارهای کمک‌آموزشی تشویق نکرده‌اند. مرتبط با گویه دوم مؤلفان با اشاره به آهنگ برخی از ابیات تلاش کرده‌اند حس شنوایی مخاطبان را در هنگام تدریس درگیر کنند؛ برای مثال به زیبایی ضرب آهنگ این بیت اشاره دارند: «باز آمدم چون عید نو تا قفل زندان بشکنم/ وین چرخ مردم خوار را چنگال و دندان بشکنم». مؤلفان با استفاده از برخی روش‌ها مانند استفاده از شعر و روایت برای توضیح مطالب کوشیده‌اند ضمن درگیری حواس دانشجویان سبب افزایش هیجان مثبت و یادگیری بهتر در ایشان شوند؛ برای مثال برای توضیح لایه‌های یک حکایت از روایت استفاده کرده‌اند. در این درس‌نامه از تصاویری مانند شکل دندان و فاصله بدن‌نویسی و جدول‌هایی حاوی نام نویسندگان و شاعران و آثار ایشان استفاده شده است.

جدول ۵ میزان توجه به مؤلفه‌های ارزشی در کتاب

در تمرین‌های کتاب		در محتوای کتاب		مؤلفه‌های ارزشی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۶/۸۴	۵	۳/۳۸	۳۱	میزان توجه به موضوعات فرهنگی و ارزش‌های جامعه در محتوا و تمرین‌های کتاب
۶/۸۴	۵	۳/۳۸	۳۱	میزان توجه به فرهنگ ایرانی‌اسلامی در محتوا و تمرین‌های کتاب
۰	۰	۰/۳۲	۳	میزان توجه به درگیری هیجانات مثبت در محتوا و تمرین‌های کتاب
۰	۰	-	-	در کتاب تمرین‌هایی وجود دارد که باعث می‌شود مخاطب با اهمیت حفظ ارزش‌های فرهنگی آشنا شود.
۰	۰	۰/۴۳	۴	کتاب با در نظر گرفتن فرهنگ‌های متفاوت و مقایسه آن‌ها با فرهنگ ملی، تصویر روشن‌تری از نقاط قوت و ضعف فرهنگی ملی می‌دهد و این تصویر باعث به‌سازی فرهنگی می‌شود.

در این قسمت به آوردن مثال‌هایی برای هر یک از گویه‌های جدول ۵ که مرتبط با ارزش‌هاست خواهیم پرداخت. مؤلفان در بخش‌های مختلف درس‌نامه درباره موضوعات فرهنگی مانند نمایندگان فرهنگی جامعه یعنی شاعران ادب پارسی سخن گفته‌اند. در درس‌نامه مورد نظر جهت توجه به فرهنگ ایرانی‌اسلامی نیز مطالبی در نظر گرفته شده است و برای مثال درباره فرهنگ پوشش افراد مذهبی در کشور ایران سخن رفته است. در ارتباط با گویه سوم، موضوعاتی همچون ارزش فرهنگی آثار ادبی در جامعه ایران یا ارزش واژه‌شناسی برای بهتر سخن گفتن در اجتماع مطرح شده است. مؤلفان با وجود در نظر گرفتن تمرین‌هایی مرتبط با فرهنگ، تمرینی با هدف آشنا ساختن مخاطبان با حفظ ارزش‌های فرهنگی طراحی نکرده‌اند.

بررسی معناداری میان مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش در محتوا و تمرین‌های

درس‌نامه فارسی عمومی محمود فتوحی و حبیب‌الله عباسی (۱۳۹۸)

برای پاسخ دادن به سؤال دوم پژوهش، داده‌های به‌دست آمده از درس‌نامه فارسی

عمومی (۱۳۹۸) با استفاده از آزمون خی دو تحلیل شد. در ذیل ابتدا به بررسی معناداری

میان مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش در محتوا و سپس در تمرین‌های درس‌نامه موردنظر پرداخته خواهد شد.

جدول ۶ توزیع فراوانی کلمات با کلان‌شایستگی‌های مختلف در محتوای اصلی

باقی مانده	تعداد مورد انتظار	تعداد مشاهده شده	
۲۳۶/۵	۱۶۴/۵	۴۰۱	کلان‌شایستگی شناختی
-۱۱۲/۵	۱۶۴/۵	۵۲	کلان‌شایستگی هیجانی اجتماعی
-۲۸/۵	۱۶۴/۵	۱۳۶	کلان‌شایستگی حسی ادراکی
-۹۵/۵	۱۶۴/۵	۶۹	ارزش‌ها
		۶۵۸	کل

جدول ۷ نتایج آزمون‌های دو برای تحلیل محتوا

مقدار به دست آمده	شاخصه‌های آماری
۴۷۷/۳۳	مجذور خی دو پیرسون
۳	درجه آزادی
۰/۰۰	سطح معناداری

جداول ۶ و ۷ نتایج آماری مربوط به تفاوت در میزان توزیع فراوانی کلماتی را که نمایانگر کلان‌شایستگی شناختی، هیجانی اجتماعی، حسی ادراکی و ارزش‌ها هستند در محتوای درس‌نامه فارسی عمومی (۱۳۹۸) نشان می‌دهند. با توجه به مقدار x^2 به دست آمده (۴۷۷/۳۳) و سطح معناداری ($p=۰.۰۰$) تفاوت میان توزیع فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار معنادار است.

جداول‌های ۸ و ۹ نتایج آماری مربوط به تفاوت در میزان توزیع فراوانی کلماتی را که نمایانگر کلان‌شایستگی شناختی، هیجانی اجتماعی، حسی ادراکی و ارزش‌ها هستند در تمرین‌های درس‌نامه فارسی عمومی (۱۳۹۸) نشان می‌دهند. با توجه به مقدار x^2 به دست آمده (۲۱/۹۳) و سطح معناداری ($p=۰.۰۰$) تفاوت میان توزیع فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار معنادار است.

جدول ۸ توزیع فراوانی کلمات با کلان‌شایستگی‌های مختلف در تمرین‌ها

باقی مانده	تعداد مورد انتظار	تعداد مشاهده شده	
۱۷/۳	۲۵/۸	۴۳	کلان‌شایستگی شناختی
۲/۳	۲۵/۸	۲۸	کلان‌شایستگی هیجانی-اجتماعی
-۳/۸	۲۵/۸	۲۲	کلان‌شایستگی حسی-ادراکی
-۱۵/۸	۲۵/۸	۱۰	ارزش‌ها
	۲۵/۸	۱۰۳	کل

جدول ۹ نتایج آزمون‌خی‌دو برای تمرین‌ها

مقدار به‌دست‌آمده	شاخصه‌های آماری
۲۱/۹۳	مجذور خی‌دو پیرسون
۳	درجه آزادی
۰/۰۰	سطح معناداری

بررسی چگونگی تدوین درس‌نامه فارسی عمومی براساس الگوی مفهومی آموزش به‌منظور پاسخ دادن به سؤال سوم پژوهش برای هر کدام از مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش مثالی از قسمت مهارت بندنویسی درس‌نامه فارسی عمومی فتوحی و عباسی (۱۳۹۸) ذکر خواهیم کرد:

مؤلفه کلان‌شایستگی شناختی خود بر چهار نوع از تفکر تأکید دارد. برای توجه به تفکر انتقادی می‌توان پرسش یا تمرینی طراحی کرد تا ذهن مخاطب را به چالش بکشد و قدرت تجزیه و تحلیل او را ارتقا دهد. برای مثال: «منظور از جمله مهارت بندنویسی پایه و اساس نوشتن است، چیست؟». به‌علاوه طرح تمرین‌هایی که سبب تحریک خلاقیت در مخاطبان شود و یا طراحی سؤالاتی که بیش از یک پاسخ صحیح داشته باشند، تفکر خلاق دانشجویان را تقویت خواهند کرد. برای مثال: «موضوعی انتخاب کنید و درباره آن یک بند بنویسید»، «به نظر شما به‌جز روش‌های گفته‌شده با چه روش‌های دیگری می‌توان جمله کانونی را گسترش داد؟». جهت ارتقای تفکر سیستمی طرح تمرین‌هایی که به درک بخش‌های مختلف یک موضوع و ارتباط میان آن‌ها بپردازد، مفید به نظر می‌رسد. برای مثال آوردن یک بندنوشت و طرح این سؤالات به تقویت این نوع از تفکر در دانشجویان منجر می‌شود: «بندنوشت فوق دارای چه اجزایی

است؟»، «چه ارتباطی میان اجزای این بندنوشت وجود دارد؟». به عقیده سلیمی (۱۳۹۸) در نظر گرفتن اتفاقات گذشته و درک شرایط حال در جهت تقویت توانایی برنامه‌ریزی برای آینده می‌تواند سبب تقویت تفکر آینده‌نگر در مخاطبان شود. در این راستا تعیین دقیق موضوع، جمع‌آوری اطلاعات درباره آن، درک و تحلیل شرایط حال و ارائه سناریوهایی برای آینده ضروری است. با توجه به این توضیح، طرح تمرین‌هایی مانند: «اگر بخواهید در آینده یک مقاله علمی بنویسید به چه روش یا روش‌هایی عمل خواهید کرد؟» در جهت تقویت تفکر آینده‌نگر مفید است.

مؤلفه کلان‌شایستگی هیجانی اجتماعی به مدیریت درون‌فردی و میان‌فردی اشاره دارد. بنابراین جهت تقویت این دو مهارت می‌بایست تمرین‌هایی با تأکید بر توانایی‌های فردی و گروهی طراحی کرد. تمرین‌هایی که پیش از این برای انواع تفکر ذکر شد همگی بر توانایی‌های فردی تأکید دارند، اما در فعالیت‌های گروهی نیز توانایی‌های فردی بی‌تأثیر نیست. بنابراین با طراحی تمرینی همچون: «به صورت گروهی جمله کانونی و جمله‌های پشتیبان را در بندنوشت فوق مشخص کنید»، «گونه‌ای از بندنوشت را انتخاب کنید و براساس آن یک صفحه بنویسید. نوشته‌های خود را در کلاس بخوانید و در رابطه با نوع، اجزا و ساختمان بندنوشت‌های آن با یکدیگر بحث کنید» مؤلفه کلان‌شایستگی حسی‌ادراکی به مدیریت حواس و محیط اشاره دارد. راه‌های متفاوتی به منظور درگیر کردن کلان‌شایستگی حسی‌ادراکی در دانشجویان وجود دارد. برای مثال مبحث چستی بندنوشت و انواع آن را می‌توان با بیانی روایی و از زبان شخصیت‌های متفاوت در داستان توضیح داد و یا مطالب را با زبانی ساده به صورت مکالمه‌ای دوفره بازگو کرد. این مطالب می‌توانند در قالب یک پاورپوینت و با استفاده از تصاویری مرتبط با شخصیت‌ها و مسائل مختلف داستان و نیز فایل صوتی روایت ارائه شوند و بدین ترتیب به تقویت مدیریت حواس و محیط در دانشجویان منجر گردند.

ارزش‌ها و فرهنگ را می‌توان به گونه‌ای مرتبط با مباحث درسی در دل محتوا و یا تمرین‌های کتاب جای داد و بر آن‌ها تأکید کرد. برای مثال ضمن بیان مطالب درسی در قالب روایت، می‌توان ارزش‌ها و فرهنگ نویسندگی را از زبان شخصیت‌های داستان بیان کرد و یا چنین تمرین‌هایی طراحی کرد: «بندنوشتی درباره آثار مکتوب یک فرهنگ و ارزش‌های آن در جامعه بنویسید».

بحث و نتیجه‌گیری

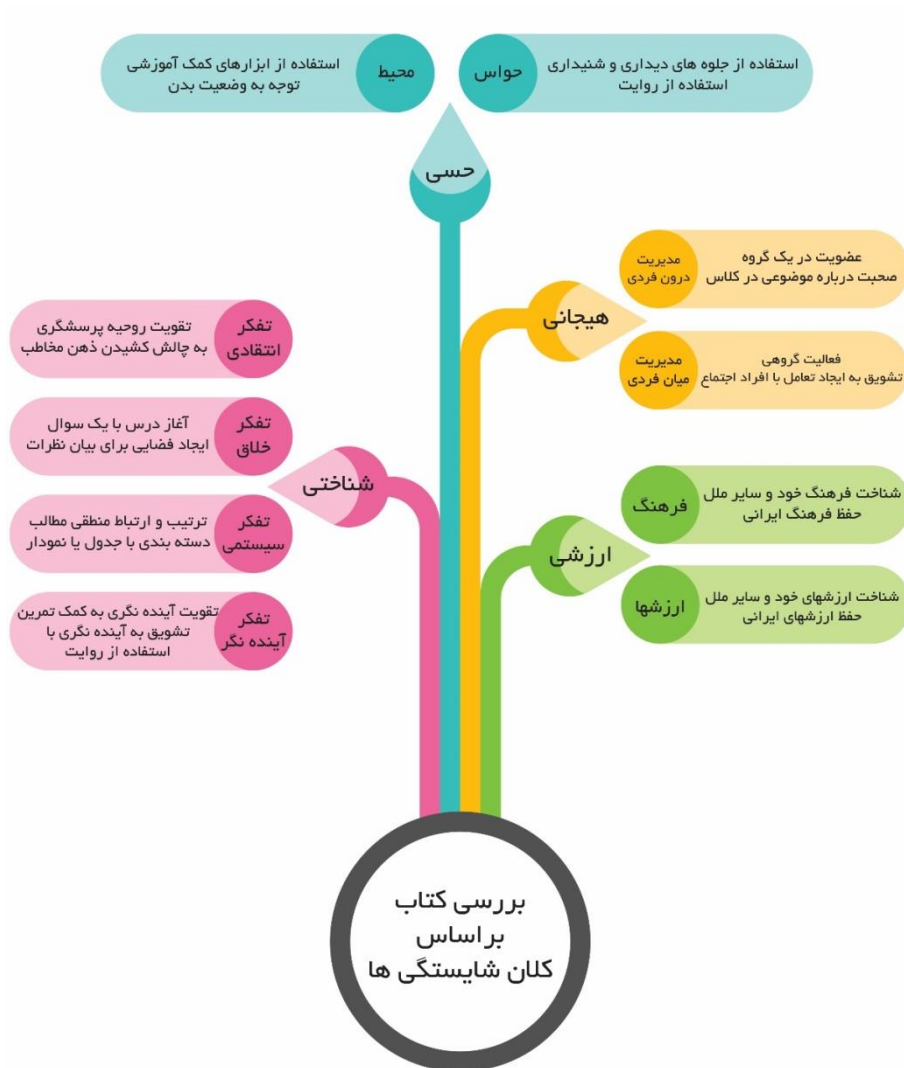
فراهم ساختن فضایی مناسب برای آشنایی و تعامل دانشجویان با ادبیات، ارزش‌های فرهنگی و مؤلفه‌های هویتی امری ضروری است که از جمله اهداف کتاب‌های فارسی عمومی در دانشگاه‌ها محسوب می‌شود (خوارزمی و جهادی، ۱۳۹۵). بنابراین محتوای این کتاب‌ها بسیار حائز اهمیت هستند. با وجود این کتبی که تاکنون برای این درس تألیف شده‌اند به دلایل متعدد از کیفیت قابل قبولی برخوردار نیستند و بازنگری و تحلیل محتوای آنان در جهت رفع نابسامانی‌های موجود ضروری است (علیقلی‌زاده، ۱۳۹۶). بنابراین نگارندگان در پژوهش حاضر به تحلیل محتوای *درس‌نامه فارسی عمومی فتوحی و عباسی* (۱۳۹۸) براساس الگوی مفهومی آموزش پرداختند. براساس یافته‌های این پژوهش، *درس‌نامه مذکور* بیش از همه به مؤلفه تفکر سیستمی از کلان‌شایستگی شناختی توجه داشته است؛ بدین معنا که ارتباطی صحیح و منطقی میان مطالب و تمرین‌های کتاب برقرار است و با نگاهی کل‌نگرانه به مطالب نگریسته شده است. رویکرد سیستمی در محتوای درسی باعث انسجام ذهن و درک راحت‌تر پیچیدگی‌های یک مسئله می‌شود و اگر فراگیران بتوانند در هنگام تدریس و مطالعه کتب درسی به پرورش تفکر سیستمی خود بپردازند ارتباط میان مسائل زندگی را بهتر درک می‌کنند و راحت‌تر به حل این مسائل خواهند پرداخت (سنگه، ۱۹۹۴؛ قراچه‌داغی، ۲۰۱۱). دیگر مؤلفه‌های کلان‌شایستگی مذکور در *درس‌نامه فارسی عمومی* (۱۳۹۸) درصد کمی را به خود اختصاص داده‌اند و یا هیچ توجهی به آنان نشده است. این درحالی است که الدر^۱ و پاول^۲ (۱۹۹۶) معتقدند تقویت تفکر انتقادی در دانشجویان، به افزایش کیفیت یادگیری در آنها منجر می‌شود. به علاوه به گفته باباعلی (۱۳۸۸) بسیاری از متخصصان تربیتی بر این باورند که در جهان امروز، تربیت افراد خلاق، مهم‌ترین هدف هر نظام آموزشی است. همچنین به نظر می‌رسد توجه به مؤلفه‌های کلان‌شایستگی هیجانی اجتماعی اعم از مدیریت درون‌فردی و میان‌فردی در *درس‌نامه موردنظر* در حد کمی قرار دارند و این بدین معناست که میزان توجه به توانایی‌های شخصیتی مخاطبان و توانایی تعامل و کار گروهی در *درس‌نامه فارسی عمومی* (۱۳۹۸) در حد مطلوبی قرار ندارد. به گفته پیش‌قدم و همکاران (۱۳۹۸) افزایش هوش هیجانی در دانشجویان می‌تواند به ارتقای مهارت‌های درون‌فردی و میان‌فردی در

1. Elder
2. Paul

آنان منجر می‌شود. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد میزان توجه به درگیری حواس مخاطبان در *درس‌نامه فارسی عمومی* (۱۳۹۸) بسیار کم و نزدیک به صفر است. ابراهیمی (۱۳۹۸) معتقد است اگر در کتاب درسی از تصاویر جذاب، نمودارها و جدول‌های متعدد و مرتبط با بحث استفاده شود، حواس فراگیران درگیر می‌شود و در نتیجه استفاده از حواس مختلف هیجان پدید می‌آید و باعث کیفیت یادگیری می‌شود. به ارزش‌های فرهنگی نیز در این درس‌نامه توجه زیادی نشده است. سورانی (۱۳۹۵) معتقد است هنگامی که برنامه‌های درسی بر مبنای درونی‌سازی ارزش‌ها تنظیم، طراحی و تدریس شوند افراد در هر محیطی قادر به حفظ و نگهداری از فرهنگ و ارزش‌های خود خواهند بود. یافته‌ها همچنین نشان داد تفاوت معناداری میان کلان‌شایستگی‌های مذکور در *درس‌نامه فارسی عمومی* فتوحی و عباسی (۱۳۹۸) وجود دارد، اما می‌توان این کتاب را براساس الگوی مذکور بازنویسی کرد. برای مثال جهت آماده کردن ذهن دانشجویان برای ورود به مبحث درسی طرح سؤال‌اتی در آغاز درس پیشنهاد می‌شود. به عقیده فریره^۱ (۲۰۰۸) ارائه و تدریس مطالب بدین شکل یا به عبارت دیگر به روش حل مسئله باعث می‌شود یادگیری به شکل انتقادی صورت گیرد. همچنین برای هر یک از انواع تفکر، مدیریت درون‌فردی و میان‌فردی و مدیریت حواس و محیط می‌توان تمرین‌هایی طراحی کرد. پیش‌قدم (۱۳۹۸) معتقد است الگوی مفهومی آموزش بر کلان‌شایستگی‌های مختلف تأکید بسیار دارد و نیز یکی از اهداف آن یادگیری به شیوه‌ای کاربردی است. به علاوه جهت درگیر کردن حس و هیجان مخاطبان و افزایش کیفیت یادگیری استفاده از تصویر، صوت، روایت و غیره مفید است. به عقیده پیش‌قدم (۲۰۱۳) آوردن تصاویر مرتبط با محتوای درس می‌تواند باعث افزایش هیجانات و درگیری حواس مختلف مخاطبان شود. به علاوه براساس نتایج پژوهش بینز^۲ (۲۰۰۸) حس بینایی حس غالب یادگیری است. بنابراین درج تصاویر مرتبط با محتوای ارائه شده سبب یادگیری بهتر مطالب شده و به خاطر سپاری و یادآوری مطالب را برای فراگیران آسان‌تر می‌کند. براساس مطالبی که ذکر شد به نظر می‌رسد اگر کتب درسی براساس الگوی مفهومی آموزش تألیف و فراگیران از تدریس بر این اساس برخوردار شوند علاوه بر کسب دانش‌های مورد نیازشان می‌توانند به تقویت مهارت‌های شناختی، هیجانی اجتماعی و حسی ادراکی خود نیز بپردازند. بنابراین می‌توان گفت استفاده از الگوی

1. Freire
2. Baines

مفهومی آموزش در تألیف کتب درسی مدرسه و دانشگاه تحولی در عرصه آموزش بوده و گامی در جهت لذت بخش تر کردن کلاس درس و آموزش و یادگیری آسان‌تر برای مدرسان و دانشجویان است.



شکل ۲ مدل پیشنهادی پژوهش برای بازنگری و تدوین کتاب براساس کلان شایستگی‌ها

نگارندگان الگوی فوق را جهت بررسی، تحلیل محتوا و تدوین کتب درسی براساس مؤلفه‌های الگوی مفهومی آموزش پیشنهاد می‌دهند. گفتنی است پژوهشگرانی که

تصمیم دارند به بازنگری و تحلیل محتوای کتب درسی مدرسه یا دانشگاه پردازند و یا محتوایی جدید برای آنان تدوین کنند می‌توانند از این الگو بهره ببرند.

منابع

- باباعلی، ف. (۱۳۸۴). مقایسه سبک‌های تفکر و رابطه آن با خلاقیت در بین دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و هنر دانشگاه‌های تهران. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم تربیتی و روان‌شناسی، تهران.
- پناهی توانا، ص.، و معروفی، ی. (۱۳۹۵). جایگاه مؤلفه‌های هویت فرهنگی در کتاب‌های ادبیات فارسی (تحلیل محتوا). پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۳(۵۰)، ۱۰۱-۱۸۹.
- پورعبدل، س.، صبحی قراملکی، ن.، قانلی، غ.ح.، و نبی دوست، ع.ر. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر کاهش فرسودگی و تعلل‌ورزی تحصیلی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری خاص. راهبردهای شناختی در یادگیری، ۷(۱۳)، ۴۹-۶۸.
- پیش قدم، ر.، ابراهیمی، ش.، و طباطبائی، م. (۱۳۹۸). رویکردی نوین به روان‌شناسی آموزش زبان. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ذبیعی، ر.، اسدزاده، ح.، و حسین مردی، ن. (۱۳۹۶). تأثیر شنیدن موسیقی (ریتمیک و ملودی) بر توجه و تمرکز دیداری، شنیداری و مهارت‌های اجتماعی کودکان پیش‌دستانی. آموزش، مشاوره و روان‌درمانی (تعالی مشاوره و روان‌درمانی)، ۴(۱۴)، ۲۷-۳۴.
- سورانی، م. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی آموزش ارزش‌ها در ایران و استرالیا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- شفیعی، ن. (۱۳۹۶). رابطه علی ادراک از محیط یادگیری سازنده گرا و گرایش به یادگیری مادام‌العمر با میانجی‌گری تفکر سیستمی فردی، انگیزش درونی، رویکرد یادگیری عمیق و قابلیت یادگیری فردی در بین دانشجویان دانشگاه شهید چمران. رساله منتشر نشده دکتری. دانشگاه شهید چمران، اهواز.
- صالحی عمران، ا.، عابدینی، م.، و منصوری، س. (۱۳۹۷). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بر مبنای مؤلفه‌های میراث فرهنگی. مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی، ۷(۱)، ۹-۳۶.
- صردی زید، م.ح. (۱۳۹۸). بررسی مؤلفه‌های تفکر انتقادی در محتوای کتاب‌های ادبیات فارسی دوره اول متوسطه نظام جدید. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه بیرجند، بیرجند.
- صمدی، م.، و قمرانی، ا. (۱۳۹۴). تفکر آینده‌نگر در افراد با اختلال طیف اتیسم. تعلیم و تربیت استثنایی، ۹(۱۵)، ۱۲۹-۱۳۷.
- طالبیان، ی. (۱۳۸۵). بررسی کتاب برگزیده متون ادب فارسی و اهداف تدریس فارسی عمومی. نامه علوم انسانی، ۱۴(۱)، ۶۵-۷۶.
- علیقلی‌زاده، ح. (۱۳۹۶). ضرورت‌ها، اهداف و رویکردهای درس فارسی عمومی در دانشگاه‌ها (مطالعه موردی: فارسی عمومی پیام‌نور). پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲(۴۱)، ۵۷-۸۱.
- کشاورزی، م.، یارمحمدیان، م.ح.، و نادری، م.ع. (۱۳۹۶). محتوای برنامه درسی مبتنی بر توسعه

- آینده‌پژوهشی در آموزش عالی ایران: پژوهش کیفی. *مطالعات برنامه آموزش عالی*، ۱۶(۸)، ۱۱۹-۱۳۸. ماهرنقش، م. (۱۳۹۴). بررسی میزان توجه به تفکر انتقادی در کتاب‌های درسی دروس عمومی دانشگاه‌ها. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- مرادی برزل آبادی، ر.، و رستم آبادی، ا.ع. (۱۳۹۲). ضرورت آینده‌پژوهی در تغییر برنامه درسی آموزش و پرورش. *همایش ملی تغییر برنامه درسی دوره‌های تحصیلی آموزش و پرورش*، ۱۲(۲)، ۴۷۸-۴۷۶. مزیدی، م.، و گلزاری، س. (۱۳۹۲). بررسی میزان برخورداری کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی از مؤلفه‌های خلاقیت. *پژوهش‌های برنامه درسی*، ۱(۱)، ۶۹-۱۰۹.
- نقش دائمی، م. (۱۳۹۶). *رابطه میان محیط کلاس و خودکارآمدی تحصیلی زبان‌آموزان ایرانی*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه گیلان، رشت.
- Baines, L. (2008). *A teachers' guide to learning multisensory improving literacy by engaging the senses*. Virginia USA: Association for supervision and curriculum development (ASCD).
- Bar-On, R. E., & Parker, J. D. (2000). *The handbook of emotional intelligence: Theory, development, assessment, and application at home, school, and in the workplace*. Jossey-Bass. San Francisco.
- Bogatta, E. F., & Montgmnery, R. J. (2000). *Encyclopedia of sociology (Vol. 2)*. New York, NY: Macmillan.
- Freire, P. (2006). *The banking model of education*. In E. F. Provenzo (Ed.). *Critical issues in education: An anthology of readings*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Gharajedaghi, J. (2011). *Systems thinking: Managing chaos and complexity. A platform for designing business architecture*. Elsevier.
- Sternberg, R. J., Kaufman, J. C. & Grigorenko, E. L. (2008). *Applied intelligence*. New York: Cambridge University Press.
- Torrance, E.P., & Goff, K. (1989). A quiet revolution. *The Journal of Creative Behavior*, 23(2), 136-145.